

# نکته‌هایی تازه دربارهٔ هندوشاه نجوانی و فرزندش شمس منشی

جواد بشری

تقدیم به: آقای جويا جهانبخش

انگیزهٔ ترتیب دادن این مختصر، مقالهٔ سودمند سرور فاضل و گرامی، آقای جويا جهانبخش است با عنوان «هندوشاه نجوانی و سروده‌های باز یافته‌اش»<sup>۱</sup>، بخشی از مقدمهٔ حضرت ایشان بر متن تصحیح شدهٔ تجارب السلف که قرار است اساطیر یا ناشری دیگر آن را منتشر کند.<sup>۲</sup> در مقالهٔ مزبور ۶۲ فقره (برخی شامل بیش از یک بیت) از اشعار هندوشاه که در فرهنگ لغت پسرش شمس منشی موسوم به صحاح الفرس آمده، به همراه دو فقرهٔ دیگر که در لغت‌نامه دهخدا نقل شده و در صحاح الفرس یافت نشده و نیز دو فقره ۴ و ۷ بیتی منظوم که در تجارب السلف خود هندوشاه ذکر گردیده استخراج شده است. پس از انتشار مقالهٔ مورد گفتگو، دو نکتهٔ جنبی غیرمرتبط با متن یافته شد که همان وقت با نویسندهٔ فاضل مقاله در میان گذاشتم. تصمیم داشتم پس از جستجوی بیشتر آن‌ها را به ایشان تقدیم کنم که فرصتی بدین شکل از سوی کتابخانهٔ مجلس به دست آمد. فرصت غنیمت شمردم و این ناچیز به آقای جهانبخش تقدیم شد. امید که بپذیرند و از تأخیر این کمترین درگذرند. یادداشت حاضر به دو بخش کلی و هر بخش به اجزایی کوچکتر تقسیم شده که با دو عکس از نمونهٔ خط هندوشاه همراه خواهد بود.

## ۱- هندوشاه نجوانی

### الف- اشعار نویافته

چنانکه در مقاله پیش گفته بر این مطلب تأکید شده، از فقرهٔ ۴۲ بر می‌آید که هندوشاه در اشعار خود

«هندو» تخلص می‌کرده است. فقرهٔ مزبور که رباعی‌ای است نقل شده ذیل مدخل «هش» در صحاح الفرس، از این قرار است:

هندو چو جهان مشوّشت می‌دارد  
وز بی‌آبی بر آتشت می‌دارد  
هش‌دار اگر چه در دلت هوش نماند  
خوش باش اگر چه ناخوشت می‌دارد  
با توجه به نام و لقب<sup>۳</sup> هندوشاه و نیز در دست داشتن این تخلص، اشعاری در چندین جنگ و سفینه شعری به دست آمد که به شرح زیر است:

- جنگ بیاضی مرحوم مهدی بیانی<sup>۴</sup> که از کهن‌ترین جنگ‌های دارای حال و هوای شیعی در میان جنگ‌های عربی-فارسی است. عنوان این دستنویس که هیچ‌گونه نظم منطقی‌ای ندارد، به حق «جنگ» انتخاب شده است. در چند موضع این نسخه- که بعدها به کتابخانهٔ مجلس سنا (شورای اسلامی شماره ۲) به شماره ۲۸۶ منتقل شد<sup>۵</sup>- تاریخ کتابت کاتبان آن دیده می‌شود از جمله: رقم «محمد بن محمد مشتهر به همام طیب» که برادر نظام الدین شامی معروف (صاحب ظفرنامه و غیره) است به تاریخ ۸۱۲ در شب غازان (که جدیدتر و نونویس‌تر است)؛ رقم «محمد بن ابی‌طالب الآوی» به تاریخ دوازدهم ذی‌قعدة ۷۳۵ ق در تبریز که در پایان رسالهٔ بلاغی ابن میثم بحرانی کتابت شده. در این رقم، کاتب خود را صاحب مجموعه دانسته و از این مطلب برمی‌آید که جنگ را برای خودش و نه به سفارش دیگری ترتیب داده است؛ دیگری رقمی بدون نام کاتب که نشانگر کتابت بخشی از این مجموعه در کاشان است بدین ترتیب: «تمت و الحمد لله رب العالمین و صلوته علی محمد و عترته الطاهرین بقاسان ثمان و ثلثین و سبعمائنه حامدا...» (در پایان لامیه العجم طغریایی)؛ رقم دیگر از آن یکی از شاگردان یا وابستگان به مولانا شمس الدین آوی است که احتمالاً منظور از آوی همان کاتب اخیر الذکر باشد. در این رقم کاتبی موسوم به «علی بن الحسن بن الرضی الحسینی الحافظ» به حسب اشاره و فرمان شمس الدین آوی- که از وی با صفاتی چون «قدوة افاضل العرب و العجم»، «ملک ملوک العلماء و الحکماء»، «لسان المتکلمین» و «وارث علوم سید المرسلین» یاد می‌کند- بخشهایی را در پنجشنبه هفتم صفر ۷۳۸ ق در دارالملک سلطانیه به اتمام رسانده است؛ رقم آخر هم از آن شخصی به نام «خلیل الدین ابی بکر النخبوانی» است که در سیزدهم ذی‌حجه ۷۲۵ ق بخشهایی را در تبریز کتابت کرده است. با این اوصاف دیدیم که جنگ حاضر را چندین نفر در زمان‌های مختلف نوشته‌اند و بخش اعظم آن محصول دههٔ دوم و سوم سدهٔ هشتم هجری و کمی از آن نیز نوشتهٔ اوایل سدهٔ نهم هجری و یقیناً برافزوده به باقی قسمت‌هاست.<sup>۶</sup>

باری، در این جنگ تدوین شده برای شمس الدین محمد آوی، در دو موضع مطالب و اشعاری از فخرالدین هندوشاه و پسرش شمس الدین منشی نقل شده است که آنچه را با فخرالدین هندو مرتبط است در این قسمت می‌آورم. تأکید می‌کنم که در مراجعه به اصل نسخه مشخص شده چند برگ آغازین بیاض حاضر- که شعرهای هندوشاه را هم دارد- بعدها به خط برادر نظام الدین شامی به بخش کهنهٔ قرن هشتمی اضافه شده است. در برگ ۶ پ دو غزل از هندوشاه آمده که کاتب تصریح دارد آنها را از خط پسرش شمس منشی نقل نموده است:

«للمولى الاعظم فخرالدين هندوشاه و هو  
اب المولانا شمس الدين المنشى. نقلت من خطه»  
یا مُتَّتَهَى الامانى یا مُنِیَّةَ الزَّمان  
چون از برم جدایی ای رحمت خدایی  
ای نور دیده تا کی با دشمنم نشینی  
فی بغضتی و هجرى کم ذلک التمدادى  
سنگین دلی ولیکن بی‌شک دلت بسوزد  
گر کم ز خاک راهت یاری بود من آنم  
یا مُهَجَّتِی صِلِینِی فالبعء قد تَعَدَى  
محتاج شرح نبود حال نیازمندان  
قد ذُبْتُ یا فَوَادِی من حُرْقَةِ التَّنائِی  
عمر عزیز هندو گر چه گذشت لیکن

باز آ که بی تو ما را تلخست زندگانی  
لو کنت فی جنان لم یرضها جنانی  
وی سور سینه تا کی برآتشم نشانی  
فی بغیتی و امری کم ذلک التَّوانِی  
لو اشتکی الیکم فی الهجر ما أعانی  
ور به ز جان شیرین چیزی بود تو آنی  
یا متلفی أغثنی فالوجد قد حنانی  
درد نهان دلها خود یک به یک تو دانی  
قد مُتَّ یا حیوتی فی حسرة التَّدانی  
چون با غمت بسر شد عمریست جاودانی

#### ایضاله

به قلم راست نیاید صفت مشتاقی  
نشود دفتر درد دل مه‌جور تمام  
بی‌عزیزان چه تمتع بود از عمر عزیز  
صبر گفتمند دوی دل مشتاقان است  
آرزوی دل خلقی تو به شیرین سخنی  
آدمی زاده بدین حسن و ملاحظت نبود  
من همان عاشقم از چه تو همان دوست نه‌ای؟  
به دو چشم تو که گر بی تو برنیدم به بهشت  
حیث لا یحصل من طول حینتی اربی  
هندو از دست غمت چاک زند دامن عمر

سادتى احترق القلب من الاشواق  
لو اضافوا صُحُف الدهر الى الاوراق  
کَیْفَ یحلو زَمَنُ البَینِ لَدی العُشاقِ  
قلت لا یضیرُ من عذَّب بِالاحراقِ  
اثر رحمت حقى به نکو اخلاقی  
تو اگر آدمی نادره آفاقی  
أنا أهواک و ان ملت عن الميثاقِ  
نکنم میل به حوری و نظر با ساقی  
چکنم قصه این غصه کنم درباقی  
بیشتر زین نکند صابری و مشتاقی

- در جنگی بسیار ارزشمند از سده هشتم که تاریخ کتابت ندارد ولی به خط نسخ بسیار قدیمی و احتمالاً در مناطق آذربایجان و آران کتابت شده غزلی از هندوشاه آمده است. این جنگ بسیار نفیس در کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۵۵۲ نگهداری می‌شود که میکروفیلم و عکسی از آن به ترتیب به شماره ۲۴۲ و ۵۰۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.<sup>۷</sup> در برگ ۸۵ و ۸۶ عکسی دانشگاه چنین آمده:

«للمرحوم مولانا فخرالدين هندوشاه»

ساقیا وقت صبحوست بده ساغر می  
زردۀ ساغر می پیش حریفان درکش  
کی بجز می نبرد از دل ما غم را پی  
خاصه چون تاختن آورد دگر لشکر دی

وقت عیش است و طرب، زهر مژور تا چند؟  
جان ستان اجرت و از جام می آراسته کن  
می چنان ده که به محشر چوبرانگیزندم  
قصه باده خوران و سخن مستان گوی  
هر کرا نیست درین فصل می و معشوقی  
می و معشوق به یکبار مرا بریوندند  
هندوا می به دف و نی خور و فارغ می‌باش  
کی حدیث تو و زهدت زده شد بر دف و نی»  
گاه شورست و شغب، فسق نهانی تا کی؟  
لاشه کالبدی را کی نیرزد لاشی  
پرتو مهر میم شعله زند از رگ و پی  
کی ملولیم ز تاریخ جم و حاتم طی  
تا قیامت نرود حسرت آن از دل وی  
تا چه حاصل شود از صحبت معشوقه و می

پشت برگ پایانی نسخه شماره ۳۸۷۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی - که دستنویسی از نیمه نخست سده هشتم از کتاب تنویر المطالیح شمس الدین محمود اصفهانی (۷۴۹ق) و کتابت شده در عصر حیات وی است - ابیاتی که نه دیده می‌شود. از جمله در پائین این برگ پنج بیت آسیب دیده هست با عنوان «لمولانا و... نا فخرالملة والدین هندوشاه دام فضله». این جمله نشانگر این است که کاتب و یا مالک نسخه احتمالاً شاگرد هندوشاه نجوانی بوده و این ابیات در عصر حیات وی - که به درستی نمی‌دانیم تا چه سالهایی ادامه داشته - کتابت شده است. دو بیت از این ابیات را حضرت استاد عبدالحسین خاثری در فهرست مجلس نقل کرده‌اند<sup>۶</sup> و اینک تمامی ابیات آن مقداری که باقی و سالم است (با مراجعه به اصل نسخه)

«لمولانا و... نا فخرالملة والدین هندوشاه دام فضله»

کس بدین واقعه سخت گرفتار مباد	[هیچ] کس همچو منی بی‌دل و بی‌یار مباد
درد و هجران و غم یار دلزار مباد	... را که هلاک(?) تن من می‌خواهد
همه گویند که ترجیح/توضیح... بار مباد	... نسد مـرا بدگویان
هندو دل شده از مهر تو بیزار مباد	... ازین بی زردی... ضعیف
همچو من هیچ کس آزرده دل از یار مباد	[مهرورزان] همه در محنت و رنج‌اند ولیک

- در جنگ اشعار شماره ۱۳۱/ف کتابخانه ملی<sup>۶</sup> که کتابت آن بسیار جدید ولی بعضاً دارای اشعار تازه‌ای از قدماست این سه بیت که احتمالاً از غزلی گزینش شده، در صفحه حدوداً ۲۴۰ کتابت شده است:

«مولانا فخرالدین هندوشاه»

آنکه رخسار ترا رنگ گل سیراب دارد	چشم بیماران عاشق را تواند خواب داد
بیدلان را داد عشق و مهر[و] اخلاص و وفا	گر ترا خوبی و مال و حشمت و اسباب داد
تاب هجران ترا بردارد از دلها به لطف	آنکه زلف عنبرینت را چو سنبل تاب داد

\*\*\*

به جز این موارد هیچ بعید نیست اشعار دیگری از هندوشاه در جنگ‌هایی که هنوز بررسی نشده است

یافت شود. در انتهای این قسمت به جنگی که در کتابخانه شخصی مرحوم دکتر مفتاح قرار داشته و اکنون از سرنوشت آن بی‌خبرم اشاره‌ای می‌کنم. این جنگ که تاریخ تقریبی کتابت آن قرن دوازدهم است حاوی اشعار بسیاری از شعرای قدیم و بدون دیوان تاریخ ادب فارسی است. طبق فهرست تهیه شده توسط مرحوم دانش پژوه برای این دستنویس، از «فخرالدین هندوشاه» نیز در این جنگ اشعاری موجود است.<sup>۱۰</sup>

### ب) نسخه‌های کتابت شده به دست فخرالدین هندوشاه

عجالتاً سه نسخه خطی می‌شناسیم که آنها را فخرالدین هندوشاه کتابت کرده و در انتهای آنها رقم زده است. از دو مورد آنها اطلاع دقیق و تصویر در اختیار داریم و از یکی، به واسطه مطلعیم. این سه نسخه عبارتند از:

– نسخه «جامع الدقائق فی کشف الحقائق» اثر نجم الدین دبیران کاتبی قزوینی که در ۶۸۳ ق در نظامیه بغداد کتابت شده است. این نسخه را دکتر مصطفی جواد مصحح آثار ابن فوطی در تعلیقات و پاورقی مجمع الآداب معرفی کرده است.<sup>۱۱</sup>

– نسخه «کیمیای سعادت» غزالی محفوظ در کتابخانه مصطفی عارف افندی به شماره ۱۳۹۰ که میکروفیلمی به شماره ۱۰۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دارد.<sup>۱۲</sup> این نسخه در مدرسه صاحبیه نجخوان کتابت شده و دارای رقم هندوشاه به این شرح است:

«و قد اتفق بحمدالله و عمیم فضله و عظیم هوله فراغ اضعف العباد و احوجهم الی سنن الرشاد الفقیر الملتجی الی الله الغنی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الجیرانی وفقه الله لاقتناء الکمالات و اکتساب السعادات عن اتمام کتاب کیمیاء السعاده رضی الله عنه جامعه، بعد المبالغه فی التصحیح و التقویم لنقله عن اصل سقیم غیر مستقیم مع تخلل و تراحم الشاغلالات فی العشر الاوسط من ذی القعدة... [پاک شده] هجریه، بنجخوان حماها الله تعالی عن طوارق الزمان و بویاق الحدثان فی المدرسه صاحبیه... [ناخوانا در عکس] بدار شفاء الارواح شیدالله ارکانها و رجم من احدث بنیانها، والحمدلله رب العالمین و الصلوة علی محمد و آله الطاهیرین و السلم تسلیماً کثیراً کثیراً»

– نسخه «الاشارات و التنبیها» ابوعلی سینا محفوظ در کتابخانه داماد ابراهیم پاشای ترکیه به شماره ۸۰۹، دارای میکروفیلمی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۶۴۴.<sup>۱۳</sup> این نسخه را هندوشاه در سالهای پس از تألیف تجارب السلف خود کتابت کرده است. وی در زمان اتمام کتابت به سال ۷۱۸ ق نزدیکی سهرورد به سر می‌برده است. همین اطلاع ناقص در کسب آگاهی ای هر چند مختصر از سنین کمال وی البته راهگشاست. رقم وی در انتهای نسخه چنین است:

«فرغ منه کاتبه الفقیر الی الله المعنی هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الصاحبی فی الرابع عشر من ربیع الاول سنه ثمان عشر و سبعمائه هجریه بمرحله قریبه من بلدة سهرورد حماها الله تعالی و الحمدلله رب العالمین و الصلوة علی رسوله محمد و آله الطاهیرین»

یادداشت روی برگ عنوان که نام کتاب و نوشته بسیار ارزشمند دیگری را در بردارد نیز به خط خود

هندوشاه است. وی در گوشه بالای سمت چپ این برگ نوشته: «النوبة الاولى، لابنى و قرّة عینی محمد رزقه الله تعالى علم ما فيه بمحمد... [بریدگی]» که نشان می‌دهد این نسخه فقط شامل نوبت نخست اشارات است و آن را برای شمس الدین محمد، فرزند خود کتابت کرده و یا بعدها آن را به وی بخشیده است.

## ۲- شمس الدین منشی بن هندوشاه

### الف- نوشته‌های پراکنده نظم و نثر او

- در صفحه ۱۳۳ از جنگ بیاضی کهن مهدی بیانی- که ذکرش در ابتدای بخش نخستین رفت- قطعه‌ای به نثر فارسی به نقل از شمس منشی وجود دارد که عیناً آورده می‌شود. نیازی به یادآوری نیست که شعر هندوشاه در جنگ مورد گفتگو، به نقل از خط فرزندش شمس الدین منشی بود.

«... [بریدگی] المنشی الصحابی النخجوانی طاب مثواه از املاء مخدوم سعید، افضل المشرق و المغرب برهان الحق و الدین النسفی رضی الله عنه فی ۶۸۵ بیغداد حرسها اه (الله) تعالی.

علم معانی و بیان در مرتبت پنجم است از مراتب علوم. و این مراتب بر این جملت است: مرتبت اول آنست که متعلم را معنی الفاظ معلوم باشد و درین باز نماند. دوم آنک چون درس معلوم کرده باشد بر تقریر آن به وجه ایجاز و اطناب قادر باشد. سوم آنک چون حکمی کرده باشد علت آن بیان تواند کرد. چهارم آنک آن علت و بیان را با قاعده‌ای برد و منشأ دعوی و حقیقت آن مسئله بیان کند و درین مرتبه او را محقق گویند. پنجم آنک نسبت میان الفاظ و معانی بیان کند و الفاظ را با گذشته و آینده مناسبت دهد و درین مرتبت او را مدقق گویند.»

- همچنین در جنگ قرن هشتمی روضه الناظر که سفینه‌ای موضوعی به نظم عربی و فارسی اثر عبدالعزیز کاشانی است، در یک موضع شعری از «شمس نخجوانی» نقل شده که باید همین شمس منشی پسر هندوشاه باشد. این شعر را عزیز دولت آبادی در معرفی نامه خود برای جنگ کهن کتابخانه ملی تبریز- که بعدها معلوم شد روضه الناظر است.<sup>۱۴</sup> - به تمامی نقل کرده است.

حال در اینجا علاوه بر آن، شعر مزبور را با مقایسه با نسخه شماره ۷۶۶ دانشگاه استانبول برگ ۱۱۶ پ و ۱۱۷ ر (با استفاده از میکروفیلم ۲۴۷ دانشگاه تهران) می‌آورم. این شعر در فصل اول از باب ثانی از قسم دوم کتاب که در «وصف المکتوب و الکاتب و ما صدر عن المخاطب» است آمده:

ای کرده دم مسیحت احیاء موات	در هر شکر ت تعبیه صد تنگ نبات
از خط و عبارت توأم روشن شد	کاندر ظلمات چون بود آب حیات

### ب) یادداشت تملک شمس منشی

نسخه ای در دانشگاه تهران به شماره ۱۳۴۶ نگهداری می‌شود که مجموعه‌ای است شامل دو رساله معینیّه خواجه نصیر و حل مشکلات معینیّه.<sup>۱۵</sup> در فهرست دانشگاه به درستی تاریخ کتابت نسخه در پایان آن که پنجشنبه ۲ رجب ۶۳۲ است، ساختگی و خط آن نسخ سده هشتم دانسته شده است.

توضیح مطلب (پس از بررسی نسخه از نزدیک) اینکه در پایان رساله معینیه (برگ ۸۲ و اندی)، محل رقم کاتب را با مایعی کاملاً پاک کرده و سائیده‌اند. به این ترتیب سه چهار سطر از انتهای متن و دو سطر که رقم کاتب داشته با مرکب جدیدتر و به خطی که سعی در تقلید خط نسخ کهن متن را دارد، بر روی حروف سائیده از نو نوشته شده است. رقم نونویس چنین است: «و اتفق الفراغ من تحریره يوم الخميس الثاني من شهر رجب سنه اثنتین و ثلاثین و ستمائه».

این رقم - با وصفی که گذشت- از لحاظ دانش نسخه شناسی ارزشی ندارد و تقریباً بی اعتبار تلقی می‌شود. اما حتی اگر کهن و اصیل هم بود نمی‌توانستیم آن را رقم کاتب تلقی کنیم. زیرا این جمله تنها به عنوان جمله پایانی مؤلف در اتمام تاریخ نگارش اثر قابل ارزش گذاری است، نه بیشتر. و ما می‌دانیم که اینگونه جملات را مؤلفان برای بیان تاریخ پایان یافتن تألیف و تصنیفشان به وفور بکار می‌برده‌اند؛ و اگر هم کاتب قصد رقم زدن داشته معمولاً پس از جمله پایانی مؤلف، آن را می‌انگاشته است.

با این همه یکی از مالکان نسخه که مرکب و خطش به سده یازدهم می‌ماند(شاید صاحب یادداشت تملکی با تاریخ ۱۰۲۲ ق در برگ آغاز که نقل خواهیم کرد) در حاشیه این برگ جمله‌ای دارد که در آن احتمال داده این نسخه به خط مصنف (خواجه نصیر) باشد. با اطلاع از اینکه گواهی یک شاهد قرن یازدهمی در مورد کتابت اثری دست کم از سیصد سال پیش‌تر ارزش چندانی در این مورد ندارد نوشته وی نقل می‌شود: «أُظُنُّ أَنَّ هَذِهِ الْأَسْطُرَّ خَطُّ الْمَصْنُفِ [ = المصنّف ] رحمه اه [ = الله ] تع [ = تعالی ]»

پس از بیان مطالبی پیرامون رقم کاتب این نسخه کهن - که حداقل در سده هشتم هجری کتابت شده است- به یادداشت‌های برگ عنوان نسخه می‌رسیم که مقصود اصلی از نوشتن این مختصر است. یکی از نوشته‌های این برگ، تملکی است از ۷۵۶ ق که از شمس منشی فرزند هندوشاه باید باشد. این یادداشت که با مرکب کم رنگ نوشته شده در صورت اصیل بودن و جعلی نبودن، چنین است: «من كتب الفقير الى الله المعنى، محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشى ... [آسیب دیده] سنه ست و خمسين و سبعمائه»

جز این، مطالب دیگری نیز در این برگ به چشم می‌خورد بدین شرح:  
- «دخل في نوبة العبد المذنب الراجي محمد بن اسمعيل النوري المشتهر ب... [؟] في شهر سنه تسع و خمسين و سبعمائه»

- «من عواری الزمان دخل في نوبة عبد المذنب المحتاج الى ربه الغني شهاب الدين علي الحسنی الحسينی الطباطبائی الشولستانی فی شهر شوال سنه اثنتین و عشرين و الف»

- یک رباعی به خط قرن هشتم با مرکب کم‌رنگ و فرسوده از شمس الدین صاحب دیوان:

«لصاحب الديوان شمس الدين»

از مطبخ دنیا چو همه دود خوری  
تا چند غمان بوذ [و] نابوذ خوری  
از مایه نخواهی کی جوی کم گردد  
مایه کی خورد چون تو همه سود خوری»

### پی‌نوشتها

۱- آینهٔ میراث، دوره جدید سال ۴ شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۵ (پیاپی ۳۳ و ۳۴): ۳۸-۵۹.  
۲- همین‌جا از ناشر محترم، خواستار چاپ و انتشار سریع تر کتاب ارزشمند تجارب السلف هستم. باشد که این طلب (یا به قول اهالی علم اقتصاد «تقاضا») تأثیری در سرعت بخشیدن به امور مربوط به این کتاب داشته باشد.

۳- نکته بسیار مهم در بازیابی اشعار هندوشاه از جُنگ‌های شعری، توجّه داشتن به لقب وی، «فخرالدین» است. زیرا در عصر مغول و در میان همعصران او، صاحب دیوان خراسان در عصر ابوسعید را می‌شناسیم که علاءالدین محمد فریومدی نام دارد و ملقب به «علاءالدین هندو» است. شرح حال وی را مثلاً ابن فوطی نگاشته است در: مجمع الآداب فی معجم اللقب، کمال‌الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد المعروف بابن الفوطی الشیبانی، تحقیق محمدکاظم، موسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الارشاد اسلامی، ج ۱، ۳۷۴-۳۷۵ و ج ۳: ۴۳۹. در مدیح همین وزیر (علاءالدین) است که کلاتی اصفهانی، جامع کهن‌ترین سفینهٔ موضوع بندی شدهٔ فارسی، مونس الاحرار فی دقائق الاشعار- که در ۷۰۲ق تدوین شده و نسخه‌ای کامل از آن در دانشگاه اسلامی علیگر و میکروفیلم نسخهٔ مزبور در دانشگاه تهران موجود است- قصیده‌ای دارد چنین:

چون نهان شد چشمهٔ خورشید مشکین در نقاب  
اندر آمد ماه من با عارض چون آفتاب....  
صاحب اعظم علاء دولت و دین آنکه چرخ  
در بحر جود او کمتر نماید از حساب  
(صفحات ۴۲۷-۴۲۹ شامل ۳۱ بیت)

همچنین سه غزل از علاءالدین را با تخلص «هندو»، محمد بن بدر جاجرمی در سفینهٔ شعری خود، تدوین شده در اواخر نیمهٔ نخست سدهٔ هشتم آورده است: مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، محمد بن بدر جاجرمی، میرصالح طیبی، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۰۴۹-۱۰۵۱. غزل دوم از همین منبع را در برگ ۲۳۷ از جنگ اسکندر میرزا تیموری - که در ۸۱۳ و ۸۱۴ ق و در شیراز به دستور اسکندر بن عمر بن تیمور تدوین و کتابت شده - نیز می‌بینیم.

۴- میکروفیلم آن به شماره ۱۴۳۶ در دانشگاه تهران موجود است. رک: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸: ۶۰۰-۶۰۱.

۵- فهرست کتابهای خطی کتابخانهٔ مجلس سنا، محمدتقی دانش پژوه- بهاءالدین علمی انواری، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۵-۱۴۷

۶- مرحوم دانش پژوه «مجدولی در ذکر عترت نبی» از نظام الدین واعظ شامی را بر اساس این جنگ بیاضی و نسخه‌ای بسیار جدیدتر تصحیح و بدین مشخصات منتشر نمود: «مجدولی در ذکر عترت نبی (بی حرف الف)»، مولانا نظام الدین علی بن محمد واعظ شامی، بکوشش محمدتقی دانش پژوه، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، سال ۹، ش ۴: ۹۰-۱۱۰ (نسخه‌ای از سدهٔ نهم یا دهم هجری بعدها از این رساله یافت شد که در کتابخانهٔ آیهٔ الله مرعشی در قم به شماره ۱۲۸۴۴/۴ نگهداری می‌شود که در فهرست آنجا بدین مشخصات معرفی شده است: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ بزرگ حضرت



آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، سید محمود مرعشی با همکاری گروه فهرست نگاران کتابخانه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳: ۶۰۴) همچنین وی در مقدمه خود بر اخلاق محتشمی خواجه نصیر از این نسخه نفیس یاد کرده و محتویات آن را برشمرده است: اخلاق محتشمی، خواجه نصیر الدین ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی، با دیباچه و تصحیح محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷: سی - سی و دو. جناب عنایت الله مجیدی هم در تحقیق خود پیرامون میمون دژ که به شکل کتابی مستقل به مشخصات زیر چاپ شده از مطالب تاریخی اصیل این جنگ بیاضی بهره برده است: میمون دژ الموت (بررسی تاریخی و جغرافیایی)، عنایت الله مجیدی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۳ و ۱۵۳-۱۶۰.

۷- فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸: ۴۴۳-۴۴۴. مرحوم مجتبی مینوی از این جنگ در مقدمه کلیله و دمنه یاد کرده و از آن بهره برده است. رک: ترجمه کلیله و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، امیرکبیر، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۹: یا- یب

۸- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران، فروردین ۱۳۵۲، ج ۱۰، (بخش چهارم): ۱۹۰۶-۱۹۰۷.

۹- فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی ایران، سید عبدالله انوار، تهران، ۱۳۴۳، ج ۱: ۱۲۱-۱۲۹.

۱۰- «کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران»، محمدتقی دانش پژوه، نشریه نسخه های خطی، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه- ایرج افشار، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، دفتر هفتم: ۱۲۹. با آگاهی از اینکه بسیاری از نفایس کتابخانه مفتاح به کتابخانه مجلس سنا (مجلس شماره ۲) منتقل و در جلد دوم فهرست آنجا معرفی شده به دقت آن مجلد را بررسی کردم که نتیجه‌ای نداشت.

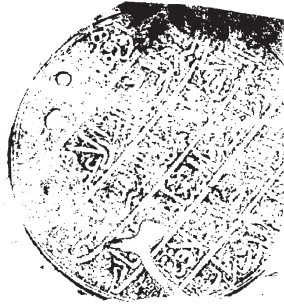
۱۱- مجمع الآداب فی معجم الالقباب، ج ۳: ۲۲۶ (پاورقی)؛ تجارب السلف، هندوشاه صاحبی نخبوانی، تصویر نسخه مورخ ۸۴۶ ق با مقدمه و ملحقات باهتتام امیر سید حسن روضاتی: ۳۸۱.

۱۲- فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۷۰.

۱۳- همان: ۲۸۳. همین جا از سرکار خانم اصیلی و همکارانشان خانم حرّی و خانم کنانی که تصویر پایانی این نسخه‌ها را مرحمت فرمودند سپاسگزاری می‌کنم.

۱۴- «آشنایی با جنگ نخبوانی»، عزیز دولت آبادی، نشریه کتابخانه ملی تبریز، دوره جدید، سال ۱ ش. (بهار ۱۳۸۳): ۱۰۷ و ۱۱۴؛ «عزالدین عبدالعزیز کاشی؛ شناسایی، کتابشناسی، نسخه جویی» سید محمد عمادی حائری، نسخه پژوهی، ابوالفضل حافظیان بابل، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، دفتر ۲: ۳۸۵-۳۸۶.

۱۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، ج ۸: ۳۴-۳۵.



قَامَ الرَّهْمَانُ وَعَلِمَنَّ فِي الطَّبَعَةِ عَجَابًا  
وَاللَّعْنَةُ الْعَالِيَةِ الْعَقَائِدِ وَالْقَوْلَى السَّافِرَةِ  
الْمَنْعَمَةِ اجْتِمَاعَاتٍ عَلَى غَرَابِيبِ خَائِمَتِهِ  
وَوَصِيَّتِهِ إِهْلَاخِ أُنَى قَدْ مَحْضَتْ كَلِمَةً  
فِي هَذِهِ الْأَشَارَاتِ عَنْ زُبْدَةِ الْحَقِّ وَالْفَقْلِ  
فَرَعِي إِحْكَمَ فِي لَطَائِفِ الْكَلِمِ فَضَحَتْ عَنِ الْمَثَلِيزِ  
وَالجَاهِلِينَ وَمَنْ لَمْ يَبْرِزْ الْعُظْمَةَ الْوَقَادَةَ  
وَالذُّرْبَةَ وَالْعَادَةَ وَكَانَ صِنْعَاهُ مَعَ الْعَافِيَةِ  
أَوْ كَانَ مِنْ مَجْلِدَةٍ لَوْ لَا الْمَقْلِسْفِيَّةُ وَمَنْ  
فَهْمٌ فَإِنَّ وَجَدْتَ مِنْ شَيْءٍ نَقَاً وَسُرْبَةً  
وَأَسْتَقَامَةً سِيرَتَهُ يَبْقَى قَعْدٌ عَايَشَتْهُ

الْيَمِّ الْوَسْوَسِ وَبِنَظَرِهِ إِلَى الْجُزْءِ يَعِينُ  
الرِّضَى وَالصِّدْقِ فَاتَّبِعْ مَا بَيَّنَّا أَلَّا مِنْهُ  
سَلَامٌ جَانِبًا مَعْرُوفًا فَاسْتَفْرِسْ مَا تَسْلِفُهُ  
لِمَا اسْتَقْبَلَهُ وَعَاهِدَهُ بِاللَّهِ وَيَأْمُرَانِ لَا  
يَخْرُجُ لَهَا بَيْرُوتِي فَيَاتِي بِنَيْهِمْ جِرْكَانٌ مُتَأَسِّبًا  
بِكُلِّ فَاِنَّ أَدْعَتْ هَذَا الْعِلْمَ أَوْ أَضَعَّتْ فَاللَّهُ  
بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلًا  
فَرَحَ مِنْهُ كَانَتْهَا الْفَقِيرُ إِلَى الْغَفْرِ  
مَنْ شَاهِدَ سَخْرَ عَبْدِ الرَّسَّالِ صَاحِبِ  
فِي الرَّابِعِ عَشْرٍ مِنْ رَبِيعِ الْأُولَى سَنَةِ  
لَمَّا نَحَسَّ وَبَسَطَ لِجَهْرٍ بِمَكْرَمَةِ  
قَرِيبَةً مِنْ بَلَدِهِ سَهْرُورَدَ  
كَمَا هُوَ اسْتَقَامِي  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَالِمِ وَالصَّوْمِ  
عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ



# هویت ایرانی در آستانه مشروطه

## به روایت رساله نویافته از

### میرزا جهانگیر خان ناظم الملک

منیژه صدری  
رحیم نیکبخت

#### درآمد

هویت و دولت ملی از جمله مفاهیمی است که در تاریخ معاصر ایران به ویژه از دوره مشروطه به بعد به صورت جدی مطرح گردیده است.<sup>۱</sup> در تعریف هویت ملی ایرانی هر متفکری از منظر و دیدگاه خود به طرح جنبه‌ها و مصادیق آن پرداخته است. در نیمه دوم عصر قاجاریه عمده روشنفکران که دنباله افکار ایشان به روزگار مشروطه و سلطنت رضاشاه نیز کشیده شد در چالش هویت ملی که ایران به واسطه جنگهای تحمیلی روسیه دچار آن شده بود بر این نکته تأکید داشتند که دین اسلام و اعراب عامل اصلی عقب‌ماندگی ایران بوده بایستی ایران باستان توأم با غربگرایی را از نو احیاء کرد. نادیده گرفتن اسلامیت هویت ایرانی این روشنفکران را به تجویز راهکارهایی سوق داد که در نهایت به تضعیف مبانی هویت ملی ایرانی منجر گردید.

روشنفکرانی همچون میرزا فتحعلی آخوندوف که مأمور سیاسی روسیه تزاری بود یا میرزا آقا خان کرمانی، میرزا ملکم خان و مهمتر از همه سید حسن تقی‌زاده یا و نظریه‌پردازان سلطنت رضاشاه مروج این نظریه ضد مذهبی بودند. باستان‌گرایی همراه با اخذ مظاهر ظاهری تمدن غرب بن مایه راهکارهای این گروه بود که ضمن تناقض ذاتی با هم در عرصه عمل نیز با هویت واقعی (ایرانی اسلامی) مردم ایران در تعارض و چالش اساسی بود. جریان کشف حجاب یکی از موارد چالش هویت ملی و هویت کاذب وارداتی